



Explanation of the foreign policy requirements of the revolutionary government in the second step of the revolution based on the Quranic and narrative teachings "with an approach to the guidelines of the Supreme Leader"

afshin salimivardanjani^{*1}

Abstract

Regulating the external relations of the Islamic state with other states is one of the most important orders of the Islamic religion to Muslims. Considering that the Supreme Leader's speech, including the statement of the second step of the Islamic Revolution, originates from and is influenced by divine teachings; Therefore, based on this order, one of the main axes of the statement is dedicated to this issue. In this research, using the tools of library study and qualitative content analysis, we are looking for an answer to the question of what requirements are prescribed for the foreign policy of the revolutionary government in the Quranic and narrative teachings, and how these requirements are reflected and raised in the guidelines of the Supreme Leader. Is. The findings of the research show that in Islamic sources there are seven constant and constant principles of negation of domination and acceptance of domination (dignity); anti-tyranny, justice and anti-arrogance; supporting the oppressed and liberation movements of the world; support and defense of the Muslims of the world; pacifism and peaceful coexistence; Non-interference in the internal affairs of countries and mutual respect and commitment to international agreements and treaties have been prescribed as requirements for the foreign policy of the revolutionary government. Also, the findings indicate that one of the most important demands of the Supreme Leader is the formation of a revolutionary government. In his guidelines, the mentioned seven principles have been specifically proposed and demanded in order to guide the foreign policy of the revolutionary government.

Keywords: The Holy Qur'an, the traditions of the innocents (peace be upon them), the Supreme Leader, foreign policy, the revolutionary government, the declaration of the second step of the revolution.

1. Research Institute of Imam Khomeini (PBUH) and the Islamic Revolution / Iran / Tehran
salimi8219@gmail.com



تبیین بایسته‌های سیاست خارجی دولت انقلابی در گام دوم انقلاب بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی "با رویکردی بر رهنمودهای مقام معظم رهبری"

افشین سلیمی وردنجانی^۱

چکیده

تنظیم روابط خارجی دولت اسلامی با سایر دولت‌ها یکی از مهم‌ترین دستورات دین اسلام به مسلمانان است. با توجه به آن‌که گفت‌وگو با مقام معظم رهبری از جمله بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی منبعث و متأثر از تعالیم الهی است؛ بنابراین بر اساس همین دستور یکی از اصلی‌ترین محورهای بیانیه به این مهم اختصاص یافته است. در این پژوهش با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوای کیفی در پی پاسخ به این سؤال هستیم که در آموزه‌های قرآنی و روایی چه بایسته‌هایی برای سیاست خارجی دولت انقلابی تجویز شده است و این بایسته‌ها در رهنمودهای مقام معظم رهبری چگونه منعکس و مطرح شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در منابع اسلامی هفت اصل ثابت و همیشگی نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (عزت)؛ ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی؛ حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان؛ حمایت و دفاع از مسلمانان جهان؛ صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز؛ عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل و تعهد به قراردادهای پیمان‌های بین‌المللی به عنوان بایسته‌هایی برای سیاست خارجی دولت انقلابی تجویز شده است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین مطالبات مقام معظم رهبری تشکیل دولت انقلابی است. در رهنمودهای ایشان هفت اصل مذکور به‌منظور هدایت سیاست خارجی دولت انقلابی عیناً مطرح و مطالبه شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، روایات معصومین (علیهم‌السلام)، مقام معظم رهبری، سیاست خارجی، دولت انقلابی، بیانیه گام دوم انقلاب.

مقدمه و بیان مسئله

انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و در زندگی اجتماعی خود با هموعانش، اجتماعات بشری کوچک و بزرگی را تشکیل می‌دهد. دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی نیز با توجه به این نکته نه تنها بر روابط بین انسان‌ها در چارچوب یک جغرافیای خاص بلکه بر روابط بین انسان‌ها خارج از یک محدوده از پیش تعیین شده (کشور) تأکید داشته است. به عبارت دیگر اسلام، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را نه بر مبنای مرزهای جغرافیایی که بر مبنای مرزهای عقیدتی استوار داشته و به تبع آن سرزمین‌ها را به دارالسلام، دارالکفر و... تقسیم کرده و با خطاب قرار دادن زمامداران اسلامی آنان را ملزم می‌سازد تا در زمینه تنظیم سیاست خارجی دولت اسلامی ملاک‌ها و شاخص‌هایی را مدنظر قرار دهند و به هیچ‌عنوان از این بایسته‌ها تخلف نداشته باشند.

به‌عنوان نمونه قرآن کریم ضمن تأکید بر تقدم روابط مسلمانان با یکدیگر؛ ارتباط بین دولت و ملت‌های اسلامی را بر اصل برادری، همگرایی و وحدت قرار داده و منشور برادری را با این آیه شریفه اعلام نموده است: ((إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ در حقیقت مؤمنان باهم برادرند)) (حجرات: ۱۰) و در زمینه روابط با کشورهای غیر اسلامی، شرایط صلح و جنگ را ملاک و معیار برقراری روابط قرار داده و مسلمانان را از برقراری روابط با کافران ستیزه‌جویی که دین مسلمانان را به استهزاء گرفته‌اند نهی می‌کند، می‌فرماید: ((إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلوْكُمْ فِي الدِّينِ وَ آخَرَجُوْكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تُوَلُّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ خداوند فقط شما را از دوستی با کسانی نهی می‌کند که در کار دین با شما جنگیدند و از دیارتان بیرون راندند و در بیرون راندنتان به یکدیگر کمک کردند و کسانی که با آنان دوستی کنند، پس دوستی کنندگان همان ستمکارانند)) (ممتحنه: ۹).

نظام جمهوری اسلامی نیز از بدو تأسیس به تبعیت از آموزه‌های قرآنی و روایی به موضوع تنظیم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل خود با سایر دولت‌ها اهتمام خاصی داشته است. آن‌چنان‌که امام خمینی (ره) و پس از ایشان مقام معظم رهبری در بسیاری از سخنرانی‌ها به این مهم اشاره داشته‌اند. اهمیت این موضوع به‌اندازه‌ای است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب که تبیین‌کننده راهبردهای پیشروی نظام جمهوری اسلامی ایران است علاوه بر بیان اهمیت

مسئله روابط خارجی به عنوان یک نقطه کلیدی تعیین کننده، صریحاً موضوع عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن را مطرح و مطالبه کرده است و پیش تر هم بر ضرورت تشکیل دولت انقلابی به عنوان دستگاه مدیریتی که مسئولیت اجرای آرمان‌های انقلاب اسلامی را عهده‌دار است تأکید کرده است (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷). بدیهی است که مجموع اندیشه و گفتمان مقام معظم رهبری از جمله بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نشئت گرفته از منابع اسلامی است؛ بنابراین می‌توان گفت که احصاء دستورالعمل‌های قرآنی و روایی همان احصاء گفتمان و اندیشه مقام معظم رهبری است؛ همان‌گونه که عکس این مطلب هم صادق است.

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال است که در منابع قرآنی و روایی چه بایسته‌هایی برای سیاست خارجی دولت انقلابی تجویز شده و این بایسته‌ها در رهنمودهایی مقام معظم رهبری چگونه منعکس و مطرح شده است. برای پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش مبتنی بر آن است که دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین علاوه بر بیان اهمیت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به تفصیل بایسته‌هایی برای سیاست خارجی نظام اسلامی و دولت انقلابی مطرح کرده است و این بایسته‌ها در مجموعه بیانات رهبری منعکس و مطرح و از سوی ایشان مطالبه شده است. بر همین اساس تلاش شده برای اثبات فرضیه و پاسخ به پرسش پژوهش پس از ارائه تعریف مفاهیم سیاست خارجی و دولت انقلابی، بایسته‌های سیاست خارجی دولت انقلابی بر اساس آموزه‌های قرآنی، روایی و سیره معصومین (علیهم‌السلام) احصاء و تبیین شود و سپس با کنکاش در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری این بایسته‌ها را احصاء و بیان کنیم.

پیشینه پژوهش

حسب جستجو در میان منابع، تاکنون پژوهشی با عنوان پژوهش حاضر انجام نشده است؛ اما آثار نزدیک به عنوان پژوهش حاضر با عناوین ذیل قابل احصاء است.

ستوده (۱۳۹۸) در مقاله ((الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب)) با رویکردی آینده‌پژوهانه، مهم‌ترین الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری را تبیین کرده است. در این راستا، الزامات سیاست خارجی ایران با توجه به روندها،

پیامد روندها، پیش‌ران‌ها، موانع و رویدادهای مؤثر بر روند مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش الزامات سیاست خارجی ایران مربوط به ترسیم آینده‌ی مرجح سیاست خارجی، یعنی دستیابی به تمدن نوین اسلامی، ارتقای جایگاه ایران به سطح کشورهای پیشرفته و ایجاد بلوک قدرتمند جهان اسلام و راهبردهای نیل به آن - از جمله تدوین نظریه‌ی سیاست خارجی دولت انقلابی - مورد بررسی قرار گرفته است.

سیمبر و ملکی (۱۳۹۸) در مقاله بایسته‌های حکمرانی و ایماژهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل به بررسی این سؤال که چرا موفقیت سیاست خارجی به طراحی و اجرای یک حکمرانی خوب در عرصه ملی نیازمند است پرداخته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که توانمندی‌های داخلی یک کشور به سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی آن توان بیشتری را ارائه می‌کند و بر قدرت نرم و تأثیرگذاری آن می‌افزاید.

ابریشمی راد (۱۴۰۰) در مقاله الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر قانون اساسی و موازین بین‌الملل ضمن شناسایی اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تبیین ویژگی‌ها و الزامات حاکم بر هر یک از آن‌ها، این مطلب را به اثبات می‌رساند که هرچند اصولی همچون «عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها»، «مسئولیت حمایت از مستضعفان و مسلمانان تحت ستم» و «تحقق وحدت جهان اسلام» ممکن است شبهه متداخل بودن حوزه‌هایشان را داشته باشند و در مواردی مغایر با موازین بین‌المللی به نظر آیند ولیکن، با تبیین دقیق و مبتنی بر مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان این اصول را مغایر با یکدیگر یا موازین حقوق بین‌الملل به شمار آورد و این اصول دارای ویژگی‌ها و اقتضائات مشخص و قابل دفاع هستند که برگرفته از رویکرد انقلابی و دینی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده‌اند.

عمید زنجانی و توکلی (۱۳۹۱) در مقاله مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معتقدند که با مطالعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان اصول سیاست خارجی مزبور در ایران را بدین قرار دانست: حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، نفی سلطه‌پذیری، نفی سلطه‌جویی، حمایت از مسلمانان و احیای اندیشه امت اسلامی، حمایت از مستضعفان، حمایت از پناهندگان و روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب. بی‌شک همه این اصول ریشه در

آموزه‌های اسلامی دارد که برای تفسیر این اصول لازم است به بررسی مبانی دینی آن‌ها پرداخته شود.

علوی (۱۳۸۵) در کتاب مبانی فقهی روابط بین‌الملل به بررسی و تبیین دسته از قواعد فقهی که جنبه زیربنایی برای روابط بین‌الملل دارد و شکل و جهت و اهداف روابط خارجی حکومت اسلامی را ترسیم می‌کند و دولت اسلامی می‌بایست سیاست خارجی خود را بر مبنای آن‌ها تنظیم نماید پرداخته است.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹) در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ضمن بیان گفتمان‌ها، ساختارها و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیر تحولات به بررسی منابع، اصول، منافع، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی در جمهوری اسلامی پرداخته است

هریک از پژوهش‌های فوق از زوایای خاصی به بررسی مفهوم سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، اصول و شاخص‌های سیاست خارجی پرداخته‌اند. تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های مشابه و نزدیک به این عنوان آن است که این پژوهش یک پژوهش نوآورانه‌ای است که سعی دارد بایسته‌های سیاست خارجی دولت انقلابی را از منابع قرآنی و روایی استنباط و احصاء کند و سپس با جستجو و کنکاش در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری اثبات کند که این بایسته‌ها در بیانات ایشان منعکس، مطرح و مطالبه شده است.

چارچوب نظری

بدیهی است که برای ورود به هر بحث و مقوله علمی قبل از انجام هر کاری تعریف مفاهیم به کاررفته در آن بحث و انتخاب یک تعریف جامع و کامل لازم و ضروری است.

۱- سیاست خارجی

سیاست خارجی یعنی جهتی که یک دولت در روابط خارجی خود برمی‌گزیند و در آن، از خود تحرک نشان می‌دهد. بر اساس این تعریف، سیاست خارجی دربردارنده نحوه و شیوه نگرش دولت به جامعه بین‌المللی است (محمدی، ۱۳۶۶: ۲۳). در تعریف دیگری آمده است که سیاست خارجی عبارتست از رشته یا راهبرد طراحی شده عمل که به وسیله تصمیم‌گیرندگان یک دولت در مقابل دیگر دولت‌ها و واحدهای بین‌المللی به منظور اهداف مشخص اعمال می‌شود (حقیقت،

۱۳۸۵: ۲۰). هیل نیز سیاست خارجی را کنش بازیگران روابط بین‌الملل معطوف به منطقه خارج از مرزهای سرزمینی با هدف تأمین اهداف و منافع ملی می‌داند (هیل، ۱۳۸۷: ۵۱). در یک تعریف جامع‌تر برخی سیاست خارجی را مجموعه‌ای از مسائل سیاسی مرتبط با حوزه خارجی می‌دانند که دارای دو بخش ثابت و متغیر است. بخش ثابت، مبتنی بر تعالیم و آموزه‌های نظری، ایدئولوژی حاکم و نظام ارزشی است و بیانگر چارچوب اصلی و کلی سیاست‌گذاری است. بخش متغیر نیز بیانگر راهبردها و خط‌مشی‌هایی است که متناسب با شرایط مکان و زمان تدوین و تنظیم می‌شود (ظریف و سجادی، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

در پژوهش حاضر منظور از سیاست خارجی مجموع کنش‌ها، اقدامات، روش‌ها و تصمیماتی است که بازیگران سیاسی به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن اصول ثابت و متغیر دیپلماسی به منظور تحصیل و توسعه منافع ملی در صحنه روابط بین‌الملل انتخاب و اعمال می‌کنند.

۲- دولت

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین نهادهایی که در علوم سیاسی، حقوق بین‌الملل و حقوق اساسی از آن بحث می‌شود، دولت است. در رابطه با تعریف دولت می‌توان عنوان داشت که دولت مجموعه‌ای است از مردم که در قلمرو معین و تحت حاکمیت خاصی سکونت داشته باشند. عده‌ای نیز معتقدند که بافت اجتماعی و کیفیت سیاسی یک ملت ((دولت)) آن به شمار می‌آید (شعبانی، ۱۳۹۰: ۴۵). در تعریف دیگری دولت اراده‌ای معرفی شده است که سایر اراده‌ها باید در مسیر او قرار گیرند (افضلی، ۱۳۹۵: ۲۰). وبر دولت را نوعی نهاد یا اجتماع انسانی می‌داند که مدعی انحصار استفاده مشروع از زور فیزیکی در چارچوب قلمرویی معین است (Weber, 1958: 78). گیدنز در یک تعریف جامع ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دولت را بیان کرده است. وی معتقد است که دولت ۱- نهاد و دستگاه سیاسی است ۲- در درون مرزهای سرزمینی یک قلمرو مشخص استقرار دارد ۳- نظام حقوقی مشخصی را بر جمعیت ساکن آن قلمرو اعمال می‌کند ۴- از طریق کنترل بر قدرت نظامی اعمال حاکمیت می‌کند ۵- دارای هویت ملی است (Giddens, 1989: 303)

۳- دولت انقلابی

هر تعریفی از دولت در سیاست، به اندازه‌ای کلی است که همه نوع دولت را در بر می‌گیرد؛ با این وجود هرگاه واژه دولت با قید خاصی آورده شود معنا و کارکرد خاصی پیدا می‌کند؛ بر این اساس دولت انقلابی دارای معنای خاص و متفاوت با سایر دولت‌ها از جمله دولت لیبرال، دولت فدرال و... می‌باشد. با بررسی مجموع بیانات مقام معظم رهبری در خصوص شاخص‌های انقلابی و انقلابی‌گری می‌توان به تعریف جامعی نیز از دولت انقلابی دست یافت. ایشان در تبیین شاخص‌های انقلابی بودن می‌فرماید: ((شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب؛ شاخص دوم، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها؛ شاخص سوم، پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از او؛ شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. اگر این شاخص‌ها وجود داشت، آن وقت طرف انقلابی است، فرد انقلابی، مجموعه‌ی انقلابی، دولت انقلابی، سازمان انقلابی)) (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره): ۱۳۹۵/۰۳/۱۴).

همچنین ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: ((انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با لغت نو، با تعبیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله‌ی اول انقلاب بود. بعد در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزش‌ها را محقق کند؛ این ارزش‌ها و آرمان‌هایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گویم، باید در جامعه تحقق ببخشد. به این ارزش‌ها اگر بخواهد تحقق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی؛ بنابراین مرحله‌ی بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله‌ی اجرائیات درست - قانون درست، اجرای درست - این آرمان‌ها و ارزش‌هایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند...

حالا من تعبیر به ((انقلابی)) کردم؛ به جای کلمه ((انقلابی)) می‌توانید کلمه ((اسلامی)) بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی...)) (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

در پژوهش حاضر منظور از دولت انقلابی، دولتی است برخاسته از انقلاب اسلامی و معتقد به آرمان‌های انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) که با اقدامات جهادی و با در نظر گرفتن شاخص‌های فوق در پی تأمین منافع و مصالح مردم تحت حکومت خود است.

بایسته‌های سیاست خارجی دولت انقلابی

دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی ضمن توجه به روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دولت اسلامی توصیه‌ها و بایسته‌هایی را در این زمینه ارائه داده است. در حقیقت این بایسته‌ها قواعد عمومی و جاویدانی هستند که با گذشت زمان و تحت هیچ شرایطی از اعتبار نمی‌افتند؛ این بایسته‌ها عبارت‌اند از:

۱- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ عزت

یکی از مهم‌ترین دستورات اسلام به مسلمانان نفی و طرد کامل هرگونه سلطه، ستمگری و ستم‌پذیری است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: ((لَا تَطْلُمُونَ وَلَا تُطْلَمُونَ؛ نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید)) (بقره: ۲۷۹). همچنین در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: ((وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود)). این آیه که فقها از آن قاعده کلی نفی سبیل را استنباط و مطرح کرده‌اند بدان معناست که خداوند متعال کلیه راه و روش‌های مستقیم و غیرمستقیم تفوق و سلطه کفار بر مسلمین را به صورت همیشگی و در هر عصر و زمانی مسدود کرده است. به عبارت دیگر نفی سبیل در اصطلاح به معنای آن است که در قوانین و مقررات دین مبین اسلام حکمی که موجب ثبوت سلطه کافر بر مسلمانان باشد، وضع نشده است (لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۴۲). البته توجه به این نکته ضروری است که بسته بودن راه تسلط کفار بر مسلمانان تکوینی نبوده بلکه تشریحی است و این بدان معناست که این‌گونه نیست که اسباب و علل در قانون هستی و خلقت، به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که امکان سلطه کفار وجود ندارد؛ بلکه این امر کاملاً محتمل و ممکن است و وظیفه

مسلمانان و مؤمنان است که در قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و بالأخص در سیاست خارجی به نحوی عمل نمایند که این راه بسته شود.

توجه به این نکته نیز ضروری است که هدف خداوند متعال از نفی و نهی دائمی تسلط کفار بر مسلمانان، حفظ عزت و احترام مسلمانان است. اهمیت عزت مؤمنان و مسلمانان نزد خداوند متعال به اندازه‌ای است که در قرآن کریم عزت مؤمنان و مسلمانان را همدریف عزت خود و پیامبر اکرم (ص) قرار داده می‌فرماید: ((وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است)) (منافقون: ۸). همچنین حدیث پیامبر گرامی اسلام ((الْإِسْلَامُ يُعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ؛ اسلام برتری می‌یابد و چیزی بر او برتری نیابد)) (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۶۷) نیز بر عزت مسلمانان تأکید دارد.

نظام جمهوری اسلامی نیز از بدو تأسیس به تبعیت از آموزه‌های قرآنی و روایی نفی و طرد سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را از اصول اولیه سیاست خارجی خود اعلام و بر این مهم تأکید دارد. آن‌چنان‌که اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با صراحت بیان می‌دارد که: ((سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، ... و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر ... استوار است)). در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز این سیاست همچنان تداوم یافته است آن‌چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرماید: ((یکی از آرمان‌هایی که من یادداشت کرده‌ام، مبارزه با نظام سلطه و استکبار است. نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه‌ی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا تقسیم می‌شوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند. دعوی با ایران هم سر همین است؛ این را بدانید. دعوی با جمهوری اسلامی این است که ایران نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست، خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده)) (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: ۱۳۹۴/۰۴/۲۰). همچنین در جایی دیگری می‌فرماید: ((در نظام اسلامی، مردم به خودشان ایمان و اعتقاد دارند؛ نظام سیاسی برای خود احترام قائل است؛ زیر بار تحمیل قدرتمداران جهانی و سلطه‌ی استکباری نمی‌رود؛ استقلال کشور، متکی به منافع و مصالح خود این مردم است، نه متکی به خواست و مصالح بیگانگان؛ مسئولان کشور، منتخبان خود ملتند، نه

تحمیل شده به وسیله‌ی اجانب، یا به وجود آمده در کودتاهای نظامی و با پول دشمنان)) (بیانات در مراسم هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره): ۱۳۷۶/۰۳/۱۴)

بر همین اساس اولین اصل بایسته سیاست خارجی دولت انقلابی نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. دولت انقلابی مکلف است نهایت تلاش خود را به کار گیرد تا عزت مسلمین و جامعه اسلامی را از طریق اهتمام به این اصل مهم حفظ کرده و ارتقاء دهد.

۲- ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی

یکی دیگر از مهم‌ترین دستورات دین مبین اسلام به مسلمانان عدالت‌طلبی، مبارزه با ظلم و استعمار و استکبارستیزی است. هر چند که اصول یادشده حتی قبل از اسلام هم در فرهنگ ایرانی از جایگاه والایی برخوردار بوده و ایرانیان قبل از اسلام بر اساس حسن و قبح عقلی ستمگری را به‌عنوان یک رذیلت اخلاقی و انسانی و عدالت را به‌عنوان یک فضیلت می‌شناختند اما با ظهور اسلام انقلاب شگرفی در این زمینه به وجود آمد؛ آن‌چنان‌که قرآن کریم یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت پیامبران الهی را گسترش عدالت در جهان بشری معرفی کرده می‌فرماید: ((لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ همانا ما پیامبران خود را با معجزات و ادله فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرايند)) (حدید: ۲۵). همچنین خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن کریم به مذمت صفت استکبار پرداخته است. در منابع اسلامی استکبار به معنای خود را بزرگ پنداشتن و تکبر ورزیدن (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۴) یکی از مذموم‌ترین صفات نزد خداوند معرفی شده است. در این منابع برای روشنگری هر چه بهتر این صفت به معرفی گونه‌های استکبار اعم از استکبار عبادی (نساء: ۱۷۲-۱۷۳)، استکبار سیاسی (نازعات: ۲۴)؛ استکبار اقتصادی (قصص: ۷۶-۷۷) و استکبار علمی (اعراف: ۱۷۵) پرداخته شده و از مسلمانان خواسته شده است که با مستکبرین سازش نداشته باشند. ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز در روایات ضمن معرفی استکبار به‌عنوان یک صفت مذموم، خود با مستکبرین مبارزه کرده و پیروان را نیز به این مهم توصیه کرده‌اند (ر.ک: فوزی و سلیمی وردنجانی، ۱۳۹۸: ۷-۲۹).

نظام جمهوری اسلامی پس از پیروزی با توجه به جهان‌بینی اسلامی خود و درک این واقعیت که صرفاً عدم پذیرش تسلط قدرت‌های سلطه‌گر و زورگو، عدم تعهد نسبت به آنان و

مسدودسازی نفوذ آنان هرچند لازم است اما کافی نیست خود را مکلف به مبارزه با استکبار، نظام‌های سلطه، ظلم و بی‌عدالتی می‌داند و در اصول دوم و سوم قانون اساسی خود به‌عنوان بالاترین سند رسمی کشور بر ((قسط و عدل))، ((نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی)) و ((طرد کامل استعمار)) و استکبار تأکید دارد. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اصل یاد شده با دقت مورد تأکید و توجه قرار گرفته است؛ آن‌چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرماید: ((تکلیف اجرای عدالت بر دوش ما هم هست؛ باید دنبال بکنیم. این چیزی است که مردم باید بخواهند؛ باید فرهنگ عمومی ملت ما بشود. مردم ما باید بیشترین چیزی را که می‌خواهند، عدالت و انصاف باشد؛ هم در امور داخل کشور، هم در مسائل جهانی)) (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی (علیه‌السلام): ۱۳۸۷/۰۴/۲۶) و در جای دیگری می‌فرماید: ((ما با استکبار مخالفیم، ما با نظام سلطه مخالفیم، ما با تسلط چند کشور بر سرنوشت عالم بشدت مخالفیم و با آن مبارزه می‌کنیم و نمی‌گذاریم این‌ها با سرنوشت دنیا بازی کنند)) (بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان: ۱۳۸۸/۱۱/۲۸).

بر همین اساس دومین اصل بایسته سیاست خارجی دولت انقلابی ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی است. دولت انقلابی مکلف است نهایت اهتمام و تلاش خود را بر گسترش قسط و عدل و مبارزه بی‌امان با مستکبرین در شرق و غرب عالم به کار گیرد.

۳- حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان

یکی دیگر از مهم‌ترین دستورات دین اسلام به مسلمانان حمایت از مستضعفین و آزادی خواهان جهان است. در منابع اسلامی منظور از مستضعف کسی است که بر اثر مظالم و ستم‌های دیگران تضعیف گردیده است خواه این تضعیف از نظر فکری و فرهنگی باشد یا از نظر اخلاقی و یا از نظر اقتصادی و یا از نظر سیاسی و اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۹). قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: ((وَمَا لَكُمْ لَأْتَمَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف

نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما)) (نساء: ۷۵). اهمیت دفاع از مستضعفین به‌اندازه‌ای است که پیامبر گرامی اسلامی نیز در روایتی می‌فرماید: ((مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هرکسی که صدای مظلومی را که از مسلمانان کمک می‌خواهد بشنود و به کمک او نشتابد مسلمان نیست)) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۶۴).

نظام جمهوری اسلامی به تبعیت از آموزه‌های قرآنی و روایی و با درک این واقعیت که این اصل لازم و مکمل ظلم‌ستیزی و استکبار زدایی است و ارتباط منطقی و کارکردی با اصل مبارزه با مستکبران دارد این اصل را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول ثابت و دائمی سیاست خارجی مطرح و خود را حامی مستضعفین جهان و جنبش‌های آزادیبخشی که با مستکبران و استعمارگران مبارزه می‌کنند معرفی کرده است. بر همین اساس در اصل سوم قانون اساسی بیان شده است که: ((تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس ... حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان)) است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این اصل مهم مورد توجه دستگاه سیاست خارجی دولت‌ها قرار گرفته و مقام معظم رهبری نیز در مناسبات مختلف به این مهم اشاره داشته است از جمله می‌فرماید: ((ظالم هرکسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هرکسی هست باید از او حمایت کرد)) (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی: ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). اهمیت این اصل به اندازه‌ای است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم که ترسیم‌کننده آینده نظام جمهوری اسلامی است می‌فرماید: ((این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است ... این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد)) (بیانیه گام دو انقلاب اسلامی: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

بر این اساس سومین اصل بایسته سیاست خارجی دولت انقلابی حمایت از مستضعفین و مظلومان جهان و جنبش‌های آزادی‌بخشی است که در حال مبارزه با مستکبرین هستند و مکلف است در این راه نهایت اهتمام خود را به کار گیرد.

۴- حمایت و دفاع از مسلمانان جهان

یکی دیگر از مهم‌ترین توصیه‌های قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) حمایت و دفاع مسلمانان از یکدیگر است. آیات متعددی از قرآن کریم همه مسلمانان را برادر یکدیگر معرفی کرده از جمله آیه ۱۰ سوره حجرات که می‌فرماید: ((إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ همانا مسلمانان با یکدیگر برادرند)). همچنین روایات متعددی نیز بر این مهم تأکید دارد؛ به‌عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: ((مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ هر کسی که شب را به صبح برساند در حالی که به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست)) (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۴۵۴). در روایت دیگری از امام صادق (ع) در این باب می‌خوانیم: ((الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ هُوَ عَيْنُهُ وَ مِرَاتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَخْدَعُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَكْذِبُهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ؛ مسلمان برادر مسلمان است، چشم و آینه و راهنمای اوست، به او خیانت، فریب و ستم ننماید و او را تکذیب نکند و غیبت او را نکند)) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۲۷۰). بر اساس دستورات دینی نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظامی که با شعارهای الهی و دینی پا به میدان گذاشته با آگاهی از این واقعیت که همه مسلمانان و جوامع پراکنده اسلامی امت واحده‌ای را که مورد تأکید قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) است تشکیل می‌دهند، حمایت و دفاع از مسلمانان سراسر گیتی را جزء اهم اصول سیاست خارجی خود اعلام می‌دارد. آن‌چنان‌که در اصول ۳ و ۱۵۲ قانون اساسی بیان می‌دارد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ((بر اساس ... تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان)) متعهد به دفاع از حقوق همه مسلمانان در سطح جهان است. در چهار دهه گذشته نیز اصل یادشده همواره نصب‌العین سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی بوده و مقام معظم رهبری به‌عنوان عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیرنده در حوزه سیاست خارجی در بسیاری از مناسبت‌ها به این موضوع اشاره داشته است. از جمله می‌فرماید: ((ما به توفیق الهی، در کنار ملت فلسطین ایستادیم، در کنار ملت‌های انقلاب کرده‌ی مسلمان ایستادیم، در کنار مردم مظلوم بحرین ایستادیم، در کنار همه‌ی کسانی که در مواجهه‌ی با آمریکا و صهیونیسم قرار دارند، ما ایستادیم و از آن‌ها دفاع

می‌کنیم و در این مورد از هیچ کس و هیچ قدرتی ملاحظه نمی‌کنیم)) (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی: ۱۳۹۱/۰۴/۲۱).

بر همین اساس چهارمین اصل بایسته سیاست خارجی دولت انقلابی حمایت بی‌دریغ از مسلمانان جهان است. دولت انقلابی مکلف است نهایت تلاش خود را در جهت حمایت از مسلمانان جهان با هدف تحقق امت واحده به کار گیرد.

۵- صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز

از دیگر توصیه‌ها و دستورات دین مبین اسلام به مسلمانان صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی است. بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) به موضوع جنگ و صلح اختصاص دارد؛ اما توجه به این نکته ضروری است که در آموزه‌های اسلامی در مناسبات انسانی و بین‌المللی اصالت با صلح است و جنگ یک استثنائی است که در شرایط خاص ضرورت می‌یابد. در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) صلح‌طلبی اسلامی در سه سطح روابط مسلمانان با یکدیگر، روابط و تعاملات مسلمانان با اهل کتاب و روابط مسلمانان با کفار غیر حربی تشریح شده است.

آیات متعددی از قرآن کریم بر صلح‌آمیز بودن روابط مسلمانان با یکدیگر اشاره دارند؛ از جمله در آیه ۲۰۸ سوره بقره به صراحت می‌فرماید: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی به صلح در آیید)). همچنین در آیه ۹ سوره حجرات می‌فرماید: ((وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ؛ و اگر دو گروه (دو طایفه) از مؤمنان با هم به جنگ و ستیز در آیند میان آن دو اصلاح و سازش برقرار کنید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد)). در منابع اسلامی نیز روایات فراوانی در این خصوص از معصومین (علیهم‌السلام) وارد شده است به‌عنوان نمونه امام باقر (ع) می‌فرماید: ((يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ تَاكَلَفُوا وَ تَعَاطَفُوا؛ ای گروهی که ایمان آورده‌اید با یکدیگر مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید)) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۲۱۶).

همچنین در خصوص رابطه با اهل کتاب، دستور اسلام به مسلمانان، همزیستی مسالمت آمیز، پذیرش صلح و پرهیز از جنگ است. قرآن کریم می‌فرماید: ((قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو: «ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را- غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد»)) (آل عمران: ۶۴).

بر اساس دستورات اسلامی، در روابط بین مسلمانان و کفار نیز اصل بر صلح و همزیستی مسالمت آمیز است. البته این اصل تا زمانی معتبر است که کفار با مسلمانان دشمنی و خصومت نورزند و در راه حق ممانعت ایجاد نکنند که در این صورت کافر حربی محسوب می‌شوند و چاره‌ای جز نبرد با آنان نیست. قرآن کریم می‌فرماید: ((لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون نمودند نهی نمی‌کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد)) (ممتحنه: ۸). همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: ((وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست)) (انفال: ۶۱).

هر چند از این آیات یک اصل کلی و اساسی که در هر زمانی معتبر است در خصوص چگونگی رابطه مسلمانان با غیر مسلمین به دست می‌آید و آن اصل این است که مسلمانان موظفند در برابر هر جمعیت، گروه و هر کشوری که موضع خصمانه با آن‌ها داشته باشند و بر ضد اسلام و مسلمانان قیام و اقدام کنند یا دشمنان دین اسلام را یاری دهند سرسختانه بایستند و هر گونه پیوند دوستی و محبت را با آن‌ها بگسلند؛ اما اگر آن‌ها در عین این که کافر هستند نسبت به دین اسلام و مسلمانان بی‌طرف بمانند و یا تمایل داشته باشند، مسلمانان می‌توانند با آن‌ها رابطه دوستانه برقرار سازند اما توجه به این نکته ضروری است که حدود این رابطه نباید در حد رابطه مسلمانان با یکدیگر و نه در آن حد که موجب نفوذ آن‌ها در میان مسلمین گردد باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱:

ج ۲۴: ۳۴)

تأکید بر اصول چهارگانه فوق (نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی؛ حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش و حمایت و دفاع از مسلمانان) ممکن است باعث ایجاد این تصور شود که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ماهیتی جنگجویانه، تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه دارد اما نظام جمهوری اسلامی بلافاصله پس از پیروزی و استقرار یکی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی خود را صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز اعلام کرد. بر همین اساس اصل ۱۵۲ قانون اساسی بیان می‌دارد: ((سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس... روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است)). همچنین در اصل چهاردهم هم آمده است که: ((دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند)).

اقدامات نظام جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته نیز به‌خوبی بیانگر آن است ایران در صحنه بین‌المللی و تعامل با دیگر کشورها نه تنها دست به تجاوزگری و توسعه‌طلبی نزده بلکه همواره تجاوزگری و جنگ را تقبیح و با تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز صرفاً به دفاع از خود پرداخته و نهایت کوشش را به کار برده تا اختلافات خود را در صحنه بین‌المللی به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل کند. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: ((انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیامها و جنبشها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اوّل را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است.)) (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

نظام جمهوری اسلامی بارها و در مناسبات مختلف سعی کرده است اختلافات خود با جامعه بین‌المللی را از طریق گفتگو حل کند که نمونه بارز آن حل اختلافات هسته‌ای از طریق مذاکره یا گفتگو در راستای حل مناقشات با دولت‌های همسایه مثل عراق و عربستان دانست. در همین راستا مقام معظم رهبری بارها در سخنرانی‌ها بر این مهم تأکید و توصیه داشته است به‌عنوان نمونه می‌فرماید: ((ما آماده‌ایم در هر راهی که به برقراری یک صلح دائمی و نابودی ریشه‌های جنگ و اختلاف و ایجاد روابط مسالمت‌آمیز با کلیه‌ی کشورهای منطقه انجامد، پیش‌قدم شویم. صلح

به‌طور کلی و به‌ویژه برای منطقه‌ی حساس ما یک انتخاب نیست، یک ضرورت حیاتی است.)) (بیانات در هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد: ۱۳۶۴/۰۶/۱۴).

بر همین اساس پنجمین اصل بایسته سیاست خارجی دولت انقلابی صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز است. دولت انقلابی مکلف است در برقراری روابط صلح‌آمیز در سه سطح رابطه با مسلمانان جهان، رابطه با اهل کتاب و رابطه با غیرمسلمانانی که در پی آسیب به دین اسلام و مسلمین نیستند (کافر غیر حربی) نهایت اهتمام خود را به کار گیرد.

۶- عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل

از دیگر توصیه‌های دین مبین اسلام به مسلمانان در حوزه سیاست خارجی احترام متقابل و عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها، اصل اعتزال است. در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره نساء خداوند متعال به این اصل مهم اشاره کرده می‌فرماید: ((... فَإِنْ اعْتَزَلُواكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُواكُمْ وَالْقَوْلُ إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا. سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُواكُمْ وَيَأْمِنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُذِّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُواكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأُولَئِكَمُ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار نمودند (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید. به‌زودی جمعیت دیگری را می‌یابید که می‌خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند و هم از ناحیه قوم خودشان که مشرک‌اند. لذا نزد شما ادعای ایمان می‌کنند؛ ولی هر زمان آنان را به سوی فتنه (و بت‌پرستی) بازگردانند، با سر در آن فرو می‌روند. اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آن‌ها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید. آن‌ها کسانی هستند که ما برای شما، تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده‌ایم)).

واژه اعتزال هم به معنای عدم‌مداخله و هم به معنای بی‌طرفی به کار می‌رود. بر همین اساس می‌توان آن را در حوزه سیاست خارجی به‌صورت سیاست عدم‌مداخله و بی‌طرفی در امور داخلی کشورها تعریف کرد. با دقت در آیات فوق به‌عنوان مستند اصل اعتزال چنین حاصل می‌شود که عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها به‌صورت متقابل است. این بدان معناست که دولت اسلامی در

صورتی در امور داخلی دیگر کشورها مداخله نمی‌کند که آن‌ها نیز به صورت متقابل در امور داخلی ایران دخالت نکنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

نظام جمهوری اسلامی با تبعیت از دستورات الهی و وقوف بر این مطلب که عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل، مقدمه دست‌یابی به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است از همان ابتدا با صراحت اعلام می‌دارد که اصول نظری و عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرهیز از مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل است و در اصل ۱۵۴ قانون اساسی خود را متعهد به ((...خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر)) می‌داند. بر همین اساس مقامات جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده‌اند که در کشورهای همسایه همچون عراق، عربستان، سوریه و... دخالتی در رابطه با روی کار آمدن یا نیامدن شخص یا گروهی نداشته و ندارند و سرنوشت کشورها باید به وسیله مردم آن کشورها تعیین شود. مقام معظم رهبری نیز به عنوان عالی‌ترین مقام سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بارها و در مناسبات مختلف بر این مسئله تأکید داشته است. به عنوان نمونه درجایی می‌فرماید: ((امروز دشمنان ما، جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند به دخالت در اینجا و آنجا که این خلاف واقع است؛ چنین چیزی وجود ندارد؛ ما در هیچ جا دخالت نمی‌کنیم. ما در آنجایی که مورد تهاجم قرار بگیریم البته دفاع می‌کنیم، دفاع جانانه، اما دخالت نمی‌کنیم)) (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۹۴/۰۱/۳۰). همچنین ایشان می‌فرمایند: ((بوق‌های تبلیغاتی دشمن مانند همیشه فریاد خواهند کرد که ایران می‌خواهد دخالت کند، می‌خواهد مصر را شیعه کند، می‌خواهد ولایت فقیه را به مصر صادر کند و می‌خواهد... این دروغ‌ها را سی سال است می‌گویند تا ملت‌های ما را از یکدیگر جدا و از کمک یکدیگر محروم کنند و مزدوران آن‌ها هم آن را تکرار می‌کنند)) (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).

نکته حائز اهمیت که حساسیت این اصل را دوچندان می‌کند تناقض میان اصل عدم مداخله در امور کشورها با اصول حمایت از مستضعفان و دفاع از مسلمانان در سراسر جهان است. به عبارت دیگر سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که چگونه می‌توان توأمان از مسلمانان و مستضعفان کشورهای دیگر پشتیبانی و دفاع کرد که متضمن مداخله در امور داخلی آن کشورها نباشد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان عنوان داشت که هیچ تناقضی میان اصول یادشده فوق وجود

ندارد؛ چرا که مأموریت ایران برای حمایت از ملت‌های مظلوم و مستضعف دنیا هرگز بدین معنا نیست که نظام جمهوری اسلامی ایران قواعد و عرف بین‌الملل مبنی بر منع مداخله در امور داخلی دیگر کشورها را نادیده خواهد گرفت؛ بلکه برای تحقق بخشیدن این هدف، سازوکارهای مورد قبول جامعه بین‌المللی را اتخاذ و اجرا خواهد کرد (تسخیری، ۱۳۸۵: ۵۰۳). در حقیقت ایران به‌عنوان یک عضو سازمان ملل متحد، در راستای حمایت و دفاع از مسلمانان و مستضعفان جهان آن دسته از حقوق و تکالیف حمایتی را اتخاذ و اعمال می‌کند که حقوق بین‌الملل در حدود اهداف منشور ملل متحد مورد اشاره قرار داده است (هاشمی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۳۵). این سازوکارها آن دسته از شیوه‌های حمایتی را شامل می‌شود که مصداق مداخله نباشد مانند حمایت دیپلماتیک در چارچوب سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، حمایت سیاسی، حمایت اقتصادی و... که تکیه اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز بر روی همین سازوکارهاست (یزدی، ۱۳۷۵: ۶۶۱-۶۶۲). اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به این موضوع دو اصل را در کنار هم قرار داده است و بیان می‌دارد: ((جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند)).

بر همین اساس ششمین اصل بایسته سیاست خارجی دولت انقلابی احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر است. دولت انقلابی مکلف است نهایت اهتمام و تلاش خود را به کار گیرد تا از طریق عمل به این اصل مهم به صلح پایدار و همزیستی مسالمت‌آمیز نائل آید.

۷- تعهد به قراردادهای پیمان‌های بین‌المللی

از دیگر اصول مورد تأکید قرآن کریم، روایات و سیره معصومین (علیهم السلام) که مسلمانان را به آن توصیه و دستور می‌دهند احترام و پایبندی به عهد، پیمان و قرارداد است. در آیات متعددی خداوند متعال به حرمت عهد و پیمان اشاره داشته است؛ به‌عنوان نمونه می‌فرماید: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید)) (مائده: ۱)؛ ((وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ و به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود)) (اسراء: ۳۴). اهمیت این اصل تا اندازه‌ای است که حتی خداوند متعال وفای به عهد و پیمان در برابر مشرکان را دستور داده است و اعلام می‌دارد که مسلمانان صرفاً در زمانی که

مشرکین عهد و پیمان خود را نقض و به قرارداد خود وفا نکردند مجاز به شکستن و نقض قرارداد هستند (توبه: ۷ و ۱۲). در روایات و سیره معصومین (علیهم‌السلام) نیز این مهم مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه حضرت علی (ع) در فرمان مالک اشتر می‌فرماید: ((فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَّتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْمُحُودِ وَ قَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْعَذْرِ؛ در میان واجبات الهی هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان - با تمام اختلافاتی که دارند - مورد اتفاق نیست به همین جهت بت‌پرستان زمان جاهلیت نیز پیمان‌ها را در میان خود محترم می‌شمردند؛ زیرا عواقب دردناک پیمان‌شکنی را دریافته بودند)) (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

نظام جمهوری اسلامی به تبعیت از دستورات اسلامی و با عنایت به این موضوع که یکی از ابعاد مهم نظام بین‌الملل و الگوهای تعامل حاکم بر روابط و مناسبات کشورها معاهدات، قراردادها و قواعدی است که در قالب حقوق و قوانین بین‌المللی تجلی می‌یابد و لازمه حفظ امنیت، صلح و ثبات جهانی هستند از بدو تأسیس، پابندی خود به قراردادها، قوانین بین‌المللی و تعهدات دوجانبه و چندجانبه را به‌عنوان یک اصل ثابت سیاست خارجی خود اعلام می‌دارد. طبق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی هرگونه موافقت‌نامه و قرارداد و سایر عهودی که دولت ایران با سایر دول منعقد می‌نماید باید ابتدا به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و سپس توسط رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی وی امضاء شود؛ بنابراین روشن است که این امر در قانون اساسی جمهوری اسلامی تا چه اندازه مهم شمرده شده است. مقام معظم رهبری نیز در مناسبات مختلف به این مهم اشاره داشته است از جمله در رابطه با قرارداد برجام می‌فرماید: ((ما البتَّه برجام را ابتدائاً نقض نخواهیم کرد؛ این را همه بدانند. ما نقض نمی‌کنیم برجام را لکن اگر طرف مقابل نقض کند که حالا همین‌طور این کسانی که نامزد ریاست جمهوری آمریکایند، مدام دارند تهدید می‌کنند که ما می‌آییم پاره می‌کنیم، نقض می‌کنیم، این‌ها اگر پاره کردند، ما آتش می‌زنیم. این که حالا نقض نمی‌کنیم، متکی است به دستور قرآن: ((أَوْفُوا بِالْعَهْدِ)) بالاخره یک معاهده‌ای است انجام داده‌ایم،

نمی‌خواهیم معاهده را ما به هم بزنیم؛ و آن‌که اگر آن‌ها نقض کردند، ما هم نقض خواهیم کرد))
(بیانات در دیدار مسئولان نظام: ۱۳۹۵/۰۳/۲۵).

بر این اساس هفتمین اصل بایسته سیاست خارجی دولت انقلابی احترام و تعهد به قراردادهای و پیمان‌های بین‌المللی است. دولت انقلابی مکلف است نهایت کوشش خود را به کار گیرد تا از طریق اقدام به این اصل مهم به امنیت، صلح و ثبات در سطح داخلی و جهانی نائل آید.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که:

دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی پاسخگوی همه نیازهای بشر در همه زمان‌ها و مکان‌هاست و از آنجایی که ارتباط بین انسان‌ها خارج از محدوده سرزمینی یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری محسوب می‌شود؛ بنابراین دین اسلام هم ضمن توجه و احترام گذاشتن به این خواسته بشر چهارچوب‌هایی را برای سیاست خارجی دولت اسلامی مشخص کرده است و از زمامداران دولت اسلامی می‌خواهد که در تنظیم سیاست خارجی خود این بایسته‌ها را مدنظر قرار دهند و از آن تخطی نکنند. مهم‌ترین بایسته‌های سیاست خارجی دولت اسلامی و انقلابی که در منابع قرآنی و روایی به آن‌ها اشاره شده است هفت اصل کلی و ثابت ((نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ عزت))، ((ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی))، ((حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان))، ((حمایت و دفاع از مسلمانان جهان))، ((صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز))، ((عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها)) و ((احترام متقابل و تعهد به قراردادهای و پیمان‌های بین‌المللی)) است.

نظام جمهوری اسلامی نیز با توجه به جهان‌بینی اسلامی و الهی خود بلافاصله پس از پیروزی اصول هفت‌گانه فوق را به‌عنوان اصول ثابت سیاست خارجی خود اعلام می‌دارد. مقام معظم رهبری نیز بارها در سخنرانی‌های خود به اصول هفت‌گانه فوق به‌صراحت اشاره داشته است و این اصول را به‌عنوان بایسته‌های سیاست خارجی دولت اسلامی و دولت انقلابی معرفی و مطالبه کرده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ ق)، مکاتیب الرسول (ص)، قم: دارالحدیث.
افضلی، رسول (۱۳۹۵ ش)، دولت مدرن در ایران، قم: دانشگاه مفید.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص))، تهران: دنیای دانش.
تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۵ ش)، در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه محمد سپهری، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البیت.
حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵ ش)، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹ ش)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
شعبانی، قاسم (۱۳۹۰ ش)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: اطلاعات.
طبرسی، ابوالفضل بن الحسن (۱۳۸۰ ش)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کریمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
ظریف، محمدجواد و سجادی، سید مهدی (۱۳۹۳ ش)، صورت‌بندی گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، دوره ۱۰، شماره ۲۰، صص ۱۰۳-۱۴۸.
فوزی، یحیی و سلیمی وردنجانی، افشین (۱۳۹۸ ش)، تبیین مفهوم استکبار و ویژگی‌های فرهنگ مستکبرین در قرآن و روایات، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۷-۲۹.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (پس از بازنگری سال ۱۳۶۸).
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
لنکرانی، محمد فاضل (۱۳۸۳ ش)، قواعد الفقهیه، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار (ع).
مجلسی، محمد بن باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار: الجامعه لدرر اخبار الاثمه الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
محمدی، منوچهر (۱۳۶۶ ش)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیر کبیر.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
هاشمی، محمد (۱۳۸۹ ش)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان.

هیل، کریستوفر (۱۳۸۷ ش)، ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یزدی، محمد (۱۳۷۵ ش)، قانون اساسی برای همه، تهران: امیر کبیر.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به آدرس: <https://khamenei.ir>

Weber, Max, (1958[1919]), Politics as a Vocation, in From Max Weber: Essays in Sociology, tran. And ed. H. Gerth and C. Wright Mills, New York: Oxford University Press.
Giddens, Anthony. (1989) Sociology. Cambridge: Polity.

